سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحیم

وضع کتاب‌های دینی، نزدیک به یک دهه پیش، در دو نشست علمی، تحت عنوان‌های «کتاب‌های دینی و دانشجو» و «نقش آثار مکتوب دینی در جامعهٔ ایران» بررسی شد و نتایج آن درکتاب «کتاب دینی: آسیب‌ها، کاستی‌ها، بایسته‌ها»* انتشار یافت. این گفتار، برخی از نکاتِ مندرج در آن کتاب را برگرفته، و به اقتضای مقام، توضیحاتی بر آن افزوده است. البتّه آمارها و اعداد و ارقام، همه برگرفته از همان منبع است. جای آن دارد که در این فرصت، از تلاش‌های دلسوزانهٔ مجریان چنین برنامه‌هایی قدردانی شود.

همچنین تذکّر این نکته ضروری است که تذکّر کاستی‌ها، به معنی نادیده‌گرفتن زحمات و مجاهدت‌های خاموشِ پدیدآوران آثار دینی نیست، بلکه از آن‌روست که به کلام امام صادق علیه‌السلام جامهٔ عمل پوشانیم که: «**احبّ اخوانی من اهدی الیّ عیوبی**».

براساس یافته‌های دو همایش یاد شده، آثار مکتوب دینی به دلایل زیر، به کاستی گرفتار آمده‌اند:

۱. عملکرد و رفتار متولّیان دین، از آن‌روکه مردم بیش از گفتار، به‌کردار اشخاص می‌نگرند. این ویژگی در مسائل دینی، نمود بیشتر دارد تا مسائل نظری محض، گرچه پی‌آمد توقع بیجای مردم باشد.

در یک تحقیق میدانی که ۷۰۰ دانشجوی دانشگاه‌های تهران، ویژگی‌های استاد

---

*. کتاب دینی: آسیب‌ها، کاستی‌ها و بایسته‌ها. تهیه و تنظیم: دبیرخانهٔ دین‌پژوهان کشور. قم: احیاگران، ۱۳۸۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

مطلوب را بیان کرده‌اند، مهمترین نکتهٔ آنها حیطهٔ اخلاقی و رفتاری (۳۸/۵ درصد)، پس از آن حیطهٔ تخصصی و علمی (۳۴/۵ درصد) و پس از آن عوامل دیگر بوده است.

۲. نبودِ نقد جدّی در حوزهٔ آثار دینی، که سبب می‌شود این آثار، گرفتار کم‌مایگی و سستی شوند. باید دانست که زیان دفاع سست و سخیف از گزاره‌های دینی توسط دوستان نادان، کمتر از ردّ هوشمندانهٔ دشمنان دانا نیست، گرچه برخی، خطرِ ابتذال را کمتر از انحراف بدانند.

۳. براساس یک پژوهش آماری مربوط به سال ۱۳۷۸، در طول زمان با کاهش مطالعهٔ کتاب دینی - نسبت به رمان، آثار تاریخی و شعر و ادب - روبروییم. این کاهش مصرف کتاب دینی همزمان با افزایش تولید آنها بوده است. بدین روی، افزایش شمارگان کتابهای دینی نمی‌تواند شاخص کامل و نهایی باشد. در این جهت، توجّه به چند نکته ضرور است:

الف ـ عدم توجّه به نیازهای گروه‌های متفاوت - با پرسش‌ها و خواسته‌های مختلف ـ تقاضای کتابهای دینی را کاهش می‌دهد.

ب ـ کارکرد کتاب را برای دو زمان می‌توان در نظر گرفت: زمان فراغت و زمان کار. غالب کتابهای دینی برای زمان فراغت افراد تهیه می‌شود، یعنی در سطح عمومی؛ در حالی که تخصصی شدن جامعه، تهیهٔ کتاب دینی برای زمان کار را می‌طلبد.

ج ـ رقابت در عرصهٔ اشتغال، بر کارکرد کتاب و مطالعه به عنوان «ابزار کار» بیشتر تأکید دارد تا «دانش‌افزاییِ محض». در نتیجه کتابهایی که دین را بیشتر در پیوند با زندگی نشان دهد، مطلوبیت بیشتر دارد.

۴. در میان آثار دینی تولید شده، آثار مرجع و ماندگار ـ که پیشینهٔ اندیشگی و پژوهشی سنگین دارند ـ اندک‌شمارند. این مطلب، منحصر به کتابهای سنگین و آثارِ ویژهٔ متخصّصان نیست، بلکه کتابهایی برای نوجوانان و به زبان آنها ـ امّا با پشتوانهٔ یاد شده ـ را نیز در بر می‌گیرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۵. طبقهٔ متوسّط فرهنگی، که با گسترش رشته‌های دانشگاهی الهیات ـ به ویژه رشتهٔ علوم قرآن و حدیث ـ در جامعه ظاهر شده، واقعیتی است که نباید از آن بی‌توجّه گذشت. معلومات غالب اینان در حدّ دوره‌های درسی دانشگاهی است، ولی اثر خود را بر فرهنگ جامعه می‌گذارند. تولید منابع فکری با توجّه به چنین مخاطبانی ضرورت دارد. این مخاطبان، شامل اساتید این رشته‌ها نیز می‌شوند.

۶. محصور ماندن ما در یک گفتمان داخلی، از مشکلات کار است. بیشتر آثار ما، نه تنها در سطوح مختلف کشورهای غیراسلامی ـ اعم از پژوهشی و آموزشی و ترویجی ـ بلکه حتّی در کشورهای عربی مسلمان‌نشین نیز، توان حضور جدّی در فضای فرهنگی آنها را ندارد. این واقعیّت، در فضای جهانی شدن ـ که ویژگی اصل آن تحوّلات سریع و شتابناک است ـ جای توجّه ویژه دارد.

۷. توقّع فضای فرهنگی داخلی و خارجی از ما، گسترشِ گونه‌های مختلف خروجیِ آثار دینی است، که از دایرهٔ بستهٔ «کتاب» فراتر می‌رود.

چند رسانه‌ای شدن فضاهای فرهنگی، می‌طلبد که به زبان‌های دیگر ـ به ویژه زبان‌های هنری ـ بیشتر بیندیشیم، یا دست کم، به تولید نوشتارهایی برای آن زبان‌های هنری ـ مانند فیلم‌نامه و نمایشنامه ـ بیشتر بپردازیم.

۸. به دلیل تخصّصی شدن حوزه‌های علوم، زمانِ کارهای فردی سپری شده است. باید به کارهای جمعی روی آورد، آن هم با ساز و کارهای ویژهٔ خودش، یعنی فرهنگ این‌گونه کارها در آثار دینی باید نهادینه شود. این جمله، نه به معنای تأسیس سازمان‌های جدید برای عرضهٔ کارهای جدید فردی، بلکه استفادهٔ واقعی از ظرفیت‌ها و تخصّص‌های نهفتهٔ پژوهشگران برای تولید آثار جمعی است.

۹. فرهنگ نقد، باید نهادینه شود. یکی از عمده‌ترین اصول آن، این است که: **«انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»**. این اصل را گوینده از یک سوی به کار گیرد که به حبّ و بغض شخصی نیندیشد؛ و شنونده یا خواننده از سوی دیگر به کار گیرد که جمله‌ها و تعبیرها را، به تفسیر و تعبیر شخصی، به سمت فرد و گروه خاصّی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

نکشاند. یعنی به هر حال، نقد گفتارها و نوشتارها مورد نظر باشد نه گویندگان و نویسندگان. در نقد هم، بدیهی است که حُسن و عیب، هر دو با یک وزن و یک آهنگ باید بیان شود، نه فقط یکی از اینان، و نه این که آهنگ بیان در این دو مورد، تفاوت کند.

۱۰. تولیدکنندگان آثار دینی، کمتر به یک سرمایهٔ نهفتهٔ گروه‌های مختلف مردم ما ـ یعنی علاقهٔ درونی به قرآن و متون ادعیه و زیارات ـ توجّه کرده‌اند. این توجّه، غالباً به چاپ شکل‌های مختلف این متون (به شکل کامل یا منتخب، یا ترجمه فارسی و بدون آن، یا استفاده از هنرهای گرافیکی و بدون آن) محدود می‌شود، و کمتر، به بهره‌گیری از آن در جهت «حیات‌بخشی به فرد و جامعه» می‌اندیشیم، با آن که هدف قرآن است: **«اذا دعاکم لما یحییکم»** (انفال (۸) / ۲۴)

طبعاً این کار، به چند شناخت نیازمند است: جامعه و نیازهایش، هنر و زوایایش، دین و جنبه‌هایش، انسان و خواسته‌هایش.

۱۱. پدیدهٔ «کتابهای مانده در انبار»، توجّه جدّی برنامه‌ریزان را می‌طلبد. همچنین «کتابهایی که با حمایت‌های خاصّ به تیراژ بالا می‌رسند» و «کتابهایی که در یک فضای ویژه و تحوّل خاصّ اجتماعی، مشتریان زیاد می‌یابند».

کمترین کارها در این موارد، یک پژوهش کمّی ـ کیفی است که علل این پدیده را بشناسد تا کمتر تکرار شود.

۱۲. داستان کتابهای دینی که در دانشگاه‌ها جنبهٔ درسی دارند، داستان دیگری است که جای تأمّل جدّی دارد. بنابر یک آمار ـ مربوط به سال ۱۳۷۹ ـ سه هزار مدرّس معارف اسلامی، شصت هزار ساعت از وقت خود را صرف تدریس دروس معارف اسلامی در رشته‌های مختلف دانشگاهی می‌کنند. چه کنیم که این زمان ـ چه از جهت درسی و چه از جهت شیوه‌های تدریس ـ به بهره‌وری بهینه برسد؟ خوشبختانه در سالهای اخیر، ماهنامهٔ «معارف» ـ نشریهٔ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ـ به این مهم پرداخته است، ولی پژوهش‌های جدّی بیشتری با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

محوریّت آمار در این موضوع مورد نیاز است.

۱۳. از مفاهیمی که به عنوان زیرمجموعهٔ مقولهٔ «سواد اطلاعاتی» در حوزهٔ دین می‌توان مطرح کرد، نباید غافل بود. براساس این مقوله، مهارت‌هایی به افراد داده می‌شود که چگونه در این سیل عظیم اطلاعاتی غرق نشوند، و با تسلّط تمام بر امواج، به خواسته‌ها و نیازهای خود برسند، تا دوای درد خود را از مجموعه‌ای وحیانی ـ که «شفاء لما فی الصدور» است ـ بیابند. ناگفته پیداست که دوره‌ای که استاد، دانش را قطره‌قطره درکام تشنگان می‌ریخت، به سر آمده است. تسلّط بر این امواج، شناگر ماهر می‌طلبد، که تربیت این‌گونه شناگران، ضروری است. مرجع‌شناسی، روش تحقیق و شناخت بانک‌های اطلاعاتی، درکنار دین‌دانی و دین‌داری، دین‌باوری و دین‌یاوری، حدّاقل ضرورت‌های این وادی است.

۱۴. در همین فضای بمباران اطلاعاتی، فقط فرهنگ‌هایی تاب مقاومت دارند که «هویت» خود را، هم بشناسند و هم بشناسانند.

فطری بودن ارزش‌های وحیانی و قرآنی، سرمایهٔ بزرگی برای پرورش هویت است، که به آن کمتر توجّه شده است. به عبارت دیگر ربط این حادث به آن قدیم، به راهکارهای علمی نیاز دارد که باید مدّ نظر برنامه‌ریزان قرار گیرد.

۱۵. طراوت، شادابی، سرزنده بودن و شوق آفرینی در طرح مباحث دینی ـ ازجمله در نگارش و عرضهٔ آثار دینی ـ ویژگی‌هایی هستند که پدیدآوران و ناشران را به ضرورت مطالعات روانشناسی و تربیتی وامی‌دارد. تحوّل در همهٔ شئون، ازجمله در نوع بیان و شیوهٔ ارائهٔ مطالب، آثار دینی را نیز به عرصهٔ رقابت می‌کشاند. در این رقابت، نمی‌توان ساکن ماند و به اوج جدید نگریست، چراکه موج، همه را با خود می‌کشاند و می‌برد. «روزمرّه» شدن، مهمترین مانع بر سر راه «روزآمد» شدن است. روزآمد شدن، برنامه‌ریزی می‌خواهد. و برنامه‌ریزی، نگاه مبتنی بر تحوّل و چابکی و تغییر.

۱۶. پذیرش این واقعیّت که تغییر فرهنگی، مقوله‌ای هزینه‌بردار، گران و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

درازمدت است که برخلاف تولید صنعتی، بلافاصله پس از تکمیل پروژه به بهره‌برداری نمی‌رسد. اساساً واژهٔ «فرهنگ» ـ و معادل انگلیسی آن Culture ـ از برخی عملیات کشاورزی مشتّق شده، که هم «دراز مدّت بودن» را می‌رساند و هم ضرورت اهتمامِ مداوم به آن را؛ همان‌گونه که یک باغبان به درختان یک باغ می‌پردازد و عمر بر سر آنها می‌نهد. باغبان، نه به کمّیّتِ درختان باغ، بلکه به افزایش ثمردهی و بهره‌دهی آنها و دفع آفات می‌اندیشد.

مقولهٔ فرهنگ دینی و قرآنی، از این اصل، مستثنی نیست. پس ارزیابی پیشرفت دراین مقوله، به شاخص‌هایی در خور آن نیاز دارد، با آن‌که تمام اهداف مورد نظر، به سادگی قابل ارزش‌یابی نیستند.

۱۷. آنچه بیان شد، مبتنی بر دو همایش بود که حدود یک دهه پیش برگزار شده است. بدیهی است که ارزش هرکدام از این برنامه‌ها در تداوم و پیگیری نتایج و یافته‌های آن است، وگرنه آن‌گونه تلاش‌ها ابتر می‌ماند.

بازگفت و تحریر مجدّد آن یافته‌ها در این گفتار، برای آن است که بار دیگر نگاهِ پژوهشیانِ عرصهٔ علوم دینی و قرآنی به این ضرورت‌ها جلب شود؛ باشد که دست کم یک نکته از این میان، در درونِ یکی از آنان جرقه‌ای برافروزد.

۱۸. در صدر گفتار، اشاره شد که کتمان و عدم توجّه به تلاش‌های خاموش تلاشگرانِ این عرصه، نه مقدور است، نه مقبول و نه معقول. اینک می‌گوییم که مهمترین سرمایه در این میان، اخلاصِ این تلاشگران است که بر همهٔ موانع غلبه می کند. اکنون زمانِ آن است که به این پیام روشنِ کلام الاهی گوش جان بسپاریم که:

﴿**لا تیأسوا من رَوح الله انّه لا ییأس من رَوح الله لا آلقوم الکافرون**﴾ (یوسف (۱۲) / ۸۷)

در این مسیر، دعاهای ارزشمند و مستجاب تالیِ قرآن وکتاب زندهٔالاهی در این روزگار، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، پشتوانه‌ای عظیم و بی‌بدیل است برای کسانی که خالصانه می‌کوشند و به جلب رضای آن حجّت موعود می‌اندیشند.

و ما النصر الّا من عند الله العزیز الحکیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]